

بررسی عوامل و انگیزه‌های پیدایش و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در ایران مطالعه موردی: استان مازندران

ابراهیم صالحی عمران*، قربانعلی ابراهیمی**، ملیحه حسین‌زاده***

(تاریخ دریافت: ۱۴/۱۰/۸۸، تاریخ تصویب: ۱۸/۴/۹۰)

چکیده

مقاله حاضر به بررسی عوامل و انگیزه‌های شکل‌گیری و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی می‌پردازد. در سال‌های گذشته، بخش آموزش عالی ایران، شاهد گسترش کمی دانشگاه‌ها و مشارکت گسترده بخش غیردولتی در حوزه آموزش بوده است. به عبارت دیگر، تحولاتی در ساختار آموزش عالی ایران صورت گرفته که تا حدودی چهره آن را تغییر داده است. یکی از این تحولات، افزایش نسبی و قابل توجه سهم بخش خصوصی یا غیردولتی در آموزش عالی ایران بوده است. بدین معنی که در سال‌های گذشته، از یک‌سو شاهد تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی از سوی اشخاص حقیقی در قالب هیئت مؤسس بوده‌ایم و از طرف دیگر، درصد قابل توجهی از جوانان متقاضی آموزش عالی، با هزینه شخصی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی مشغول به تحصیل شده‌اند. به این ترتیب، اندکی از فشار بار مالی و اجتماعی بر روی دولت کاسته شده و شهروندان عرضه‌کننده و تقاضاکننده آموزش عالی آن را به دوش کشیده‌اند. در این مقاله، با استفاده از داده‌های تجربی حاصل از پیمایش، علل و انگیزه‌های پیدایش و گسترش آموزش عالی غیرانتفاعی در ایران بررسی شده است. جامعه آماری تحقیق، مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی در ایران و دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی استان مازندران بوده‌اند. نتایج تحقیق ضمن تأیید نتایج برخی پژوهش‌های میدانی گذشته و نظریه‌های به خدمت‌گرفته، حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل و انگیزه‌های گسترش آموزش عالی غیرانتفاعی یا خصوصی در ایران عبارت‌اند از فشارهای اجتماعی، نیازهای حرفه‌ای و اقتصادی جامعه، نابرابری بین عرضه و تقاضای آموزش عالی، تقاضامحور شدن آموزش عالی، گوناگونی تقاضا، عقلانی‌شدن تقاضاها و غیره.

واژگان کلیدی: دانشگاه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی، دانشگاه‌های خصوصی، عرضه و تقاضای آموزش عالی، دانشجویان.

مقدمه و طرح مسئله

شکل‌گیری و رشد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به سبک جدید از چند قرن پیش در غرب آغاز شد. به دنبال تحولات اقتصادی - اجتماعی در غرب، به‌ویژه رنسانس و انقلاب صنعتی، جوامع غربی درصدد برآمدند با استفاده از علم و محصولات آن، مسایل و مشکلات پیش روی خود را حل و نیازهای خود را از طریق علم و مراکز علمی برطرف کنند. به تدریج با رشد و توسعه علم و دانشگاه‌ها، آموزش عالی به عنوان نهاد اجتماعی جدیدی در جامعه مدرن ظاهر شد. نهادهای دانشگاهی برای پاسخ به سه نیاز اساسی در دنیای مدرن پدید آمدند. ۱. تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای و کارآمد برای اشتغال در بخش‌های مختلف جامعه ۲. خلق و توسعه فناوری برای رفع نیازهای تکنولوژیک بشر در عرصه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی ۳. بسط‌گستره دانش بشری در زمینه‌های مختلف زندگی این جهانی اعم از جهان طبیعی و جهان انسانی. نهادهای دانشگاهی و مراکز علمی در غرب در درون ساختار اقتصادی - اجتماعی مسلط تحت عنوان جامعه مدرن و نظام

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه مازندران / edpes60@hotmail.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران / ghorbanaliebrahimi@gmail.com

*** کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

سرمایه‌داری شکل گرفتند. در این نظام، بخش خصوصی قدرتمندی در کنار دولت وجود دارد و بخش‌های دولتی و خصوصی در انجام فعالیت‌ها و کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و علمی مکمل و حامی یکدیگرند (ترامبیک، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، تفکیک وظایف و کارکردها در جامعه سرمایه‌داری سبب شده است آهنگ رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم شتاب بیشتری بگیرد و تناسب و توازن معقول‌تری بین بخش‌های مختلف، از جمله بین دانشگاه‌ها و مراکز علمی و سایر نهادهای اجتماعی پدید آید. بنابراین، دانشگاه‌ها و نهادهای علمی جدید که برخاسته از جامعه سرمایه‌داری هستند، در شکل‌های مختلف دولتی و غیردولتی توسعه یافتند و بدین طریق جامعه را در دسترسی به یافته‌های علمی و فناوریانه یاری رسانده‌اند.

توسعه نظام سرمایه‌داری و ساختار جامعه مدرن در جهان و گسترش روابط دنیای غرب با جوامع مختلف، از جمله ایران، سبب شده است که کشورها، برای رسیدن به پیشرفت و توسعه از نوع جدید، آثار و لوازم تمدن مدرن مانند دانشگاه‌ها و مراکز علمی را تأسیس کنند. در ایران، این کار از اواسط دوره قاجار به بعد آغاز شد و در دوره رضاشاه، دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه رسمی و دولتی در ایران تأسیس گردید.

با توجه به ساختار دولتی اقتصاد در ایران، تفکر حاکم در بخش آموزش عالی نیز در پی بسط و توسعه دانشگاه‌های دولتی بوده است، ولی به مرور زمان، این تفکر تعدیل شد و قبل از انقلاب فرصت اندکی به دانشگاه‌های غیردولتی داده شد. پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه پس از جنگ و با فشار فزاینده جمعیت جوان متقاضی آموزش عالی، چون امکان پاسخ‌گویی به تقاضاهای روزافزون برای ورود به دانشگاه‌های دولتی وجود نداشت، برنامه توسعه دانشگاه‌های غیردولتی در کنار دانشگاه‌های دولتی و آزاد، در دهه ۱۳۶۰ تدوین شد و از دهه ۱۳۷۰ وزارت علوم صدور مجوز تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را آغاز کرد. در دهه ۱۳۸۰ جریان صدور مجوز و توسعه این دسته از دانشگاه‌ها سرعت گرفت و در برنامه چهارم توسعه، توجه خاصی به افزایش تعداد این مؤسسات و ظرفیت پذیرش دانشجو در آن‌ها مبذول شد. هم‌اکنون بیش از ۲۶۰ دانشگاه و مؤسسه غیردولتی در سطح کشور مشغول فعالیت هستند و از این تعداد حدود ۲۰ درصد در سطح استان مازندران به تربیت دانشجو اشتغال دارند.

موضوع تحقیق حاضر، بررسی علل ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در دو بُعد عرضه و تقاضا^۱، در استان مازندران است. به عبارت دیگر، در این تحقیق، دلایل و عواملی مورد بررسی قرار می‌گیرد که باعث شدند این دسته از مؤسسات در کشور و به‌ویژه در استان مازندران ایجاد شوند و توسعه یابند. زیرا پیدایش و توسعه این‌گونه دانشگاه‌ها و مؤسسات، امری تصادفی نیست بلکه زمینه‌ها و شرایط موجود جامعه، در شکل‌گیری و گسترش آن‌ها مؤثر بوده است. بنابراین پرسش‌های اساسی تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. چرا هیئت مؤسس این دسته از دانشگاه‌ها و مؤسسات (به عنوان عرضه‌کنندگان آموزش عالی)، اقدام به تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی کرده‌اند و چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنند؟
۲. دلایل و انگیزه‌های متقاضیان برای تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی چیست؟ به عبارت دیگر، چه عوامل و دلایلی باعث شدند، دانشجویان، این نوع دانشگاه‌ها را برای تحصیل انتخاب کنند؟

پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات و تحقیقات انجام‌گرفته نشان می‌دهد برخی عوامل اجتماعی در توسعه آموزش عالی و علاقه جوانان به تحصیل در دانشگاه‌ها مؤثر هستند. دهنوی (۱۳۸۲) در بررسی پیشینه اجتماعی متقاضیان آموزش عالی، به این نتیجه دست یافت که میزان تحصیلات و نوع شغل والدین و هم‌چنین تعداد اعضای خانواده، بر نمره داوطلبان و پذیرش آنان مؤثر است و نسبت قبولی داوطلبان با طبقه اجتماعی بالا بیشتر از بقیه است. قارون (۱۳۸۳) در مطالعه خود نشان داد که داوطلبان شهری و کسانی که تحصیلات والدین آنان بیشتر است شانس بیشتری برای ورود به آموزش عالی دارند. علاوه بر این، سایر تحقیقات نشان می‌دهد که درآمد مورد انتظار، بیشترین تأثیر را در تصمیم افراد برای ورود به دانشگاه دارد و افزایش هزینه‌های مستقیم و نرخ بیکاری، جوانان را به امتناع از سرمایه‌گذاری در تحصیلات دانشگاهی وا می‌دارد (جیانلی و منفردینی، به نقل از قارون،

¹ Supply and demand side

۱۳۸۵). بیلو و لاور (به نقل از قارون، ۱۳۸۵) در مطالعه خود درباره والدین لهستانی نشان داده‌اند که سطح تحصیلات فرزندان، ارتباطی قوی با ساختار خانواده، سطح تحصیلات والدین، اندازه شهر و ناحیه سکونت دارد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق حاضر، ترکیبی از نظریه‌های تقاضای اجتماعی، سرمایه انسانی، تقاضای اضافه‌ای و گوناگونی تقاضا، با محوریت نظریه تقاضای اجتماعی است. فرض اصلی رویکرد تقاضای اجتماعی، این است که عرضه آموزش عالی مبتنی بر تقاضای آن در جامعه است. رایبیز (۱۹۶۳)، از این رویکرد در برنامه‌ریزی آموزشی انگلستان در دهه ۱۹۶۰ استفاده کرد. او معتقد بود که باید به همه جوانانی که مستعد هستند و دارای مدرک پیش‌دانشگاهی هستند، فرصت تحصیل تمام‌وقت در دوره‌های آموزش عالی داده شود.

الف. نظریه تقاضای اجتماعی

رشد سریعی که در تعداد پذیرفته‌شدگان آموزش عالی در سراسر جهان پدید آمد، پیش از آن که ناشی از برآورد معضل نیازهای بازار کار باشد، واکنشی بود در مقابل فشارهای شدید مردمی. البته این باور که آموزش عالی به بهبود چشم‌اندازهای شغلی و درآمدهای بالاتر مادام‌العمر می‌انجامد، عاملی تعیین‌کننده و قوی در خصوص تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی است، ولی به هیچ وجه تنها توجیه‌کننده انتظارات رو به افزایش کسب فرصت‌های آموزش عالی نیست. عوامل سیاسی و فرهنگی نیز اغلب به همان اندازه اهمیت دارند. تلاش‌هایی هم که جهت افزایش مشارکت زنان و اقلیت‌های قومی در آموزش عالی صورت گرفته، در افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در بسیاری از کشورها مؤثر بوده است (وودهاال، ۱۳۷۶: ۴۶۵). تقاضای اجتماعی در برنامه‌ریزی آموزش عالی به تحلیل عواملی نیاز دارد که تقاضای خصوصی را مشخص و معین می‌کنند؛ عواملی از قبیل هزینه‌ها و سودهای موردانتظار، به خصوص فرصت‌های شغلی و درآمدهای اضافی (باینیر و همکاران، ۲۰۰۲)؛ هم‌چنین عوامل اجتماعی و جمعیتی. این واقعیت که عوامل یاد شده در بسیاری از کشورها دست به دست هم داده‌اند تا فشار شدیدی بر دولت‌ها برای گسترش مستمر آموزش عالی وارد کنند، بدین معنی است که دولت‌ها به چگونگی پاسخ‌گویی به مسئله تقاضای اجتماعی توجه فزاینده‌ای دارند (الیاس و پارسل، ۲۰۰۴).

تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، حاصل مجموع تقاضاهای انفرادی است و مجموع تصمیمات افراد در مورد نوع و مدت تحصیل است که تقاضای اجتماعی آموزش عالی را شکل می‌دهد، بنابراین، می‌توان گفت تقاضای اجتماعی آموزش عالی تابعی از دو گروه عوامل است: یک گروه، عوامل فردی است و گروه دیگر، به تصمیمات سایرین و شرایط عمومی مؤثر بر تصمیم افراد مربوط می‌شود. بدیهی است هر دو گروه از عوامل مذکور، در تعیین تعداد افراد واجد شرایط ورود به آموزش عالی و نیز تعداد افراد متقاضی از بین واجدان شرایط مؤثرند.

مبحث دیگر در نظریه تقاضای اجتماعی، تحلیل رابطه فضایی تقاضای اجتماعی آموزش عالی است. برای تسهیل رابطه فضایی تقاضای اجتماعی، اشکال مختلف تقاضای اجتماعی تعیین‌شده در آموزش عالی، با توجه به مسئله مجاورت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، روابط فضایی بر اساس دو اصل مجاورت یا طول فاصله محاسبه می‌شود. سایر عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی عبارت‌اند از عوامل ذهنی - روانی مؤثر بر سرمایه‌گذاری افراد در آموزش عالی، وضعیت سربازی و شرایط جنگ و اضطرار. تحصیلات والدین و سطح درآمد آن‌ها نیز از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری فردی برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی است. به طور کلی تحولات جمعیتی، ویژگی‌های فردی (جنسیت، سلیق، توانایی‌های فکری)، عوامل فرهنگی (محیط اجتماعی، رسانه‌ها، افکار عمومی)، زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی خانواده، کمیت و کیفیت امکانات آموزشی و بازده مورد انتظار تحصیلات (عامل اقتصادی)، از عوامل تشدید یا تعدیل‌کننده تقاضای اجتماعی آموزش عالی است (قارون، ۱۳۸۳: ۱۹۰-۱۹۴).

ب. نظریه تقاضای اضافی

تقاضای اضافی^۲ برای آموزش عالی هنگامی به وجود می‌آید که ظرفیت دانشگاه‌های دولتی کمتر از تعداد دانشجویان باشد. یعنی امکان تحصیل در دانشگاه رایگان یا کم‌هزینه دولتی برای همه فراهم نباشد. اگر منافع خصوصی آموزش زیاد باشد (مثلاً به علت دستمزدهای بالا برای تحصیلات بالاتر) بسیاری از کسانی که به دانشگاه‌های دولتی راه نیافته‌اند، به جستجوی جایی در دانشگاه‌های خصوصی به عنوان بهترین راه حل دوم^۳ برخوانند خاست. دستور تقاضای اضافی به روشن‌ترین شکل در مورد کشورهای غربی در سده نوزدهم و بسیاری از کشورهای در حال توسعه در انتهای سده بیستم صادق است. برزیل و فیلیپین از جمله کشورهایی هستند که آموزش عالی آن‌ها غالباً خصوصی بوده است. در بین کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۹۰، ژاپن بیشترین سهم را در الگوی تقاضای اضافی داراست. زیرا بیش از سه‌چهارم دانشجویان آموزش عالی، عمدتاً به علت محدودیت ظرفیت دانشگاه‌های پرتقاضای دولتی، در مؤسسات آموزش عالی خصوصی تحصیل می‌کنند (وینکلر، ۱۹۹۰). از آن‌جا که خانواده‌ها بیشتر تمایل دارند برای فواید خصوصی آموزش عالی هزینه کنند تا منافع اجتماعی، تأکید بیشتر بر دوره‌های کارشناسی خواهد بود تا کارشناسی ارشد، و به همین دلیل بر رشته‌های حرفه‌ای - تخصصی مانند حقوق و مدیریت بازرگانی تأکید بیشتری می‌شود تا علوم تجربی (جیمز، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

ج. نظریه تقاضای گوناگون

نظریه تقاضای گوناگون،^۴ آموزش عالی خصوصی را پاسخی به سلیقه‌های گوناگونی در نظر می‌گیرد که درباره نوع آموزش عالی مورد درخواست وجود دارد. این الگو فرض می‌کند که تفاوت سلیقه عمده درباره آموزش عالی، از تفاوت‌های دینی و زبانی ناشی می‌شود که با هویت گروه‌ها ارتباط دارد. در چنین حالتی، هرچه تنوع فرهنگی جمعیت بیشتر و نظام آموزش دولتی همگن‌تر و یکنواخت‌تر باشد، گوناگونی تقاضا برای آموزش خصوصی بیشتر خواهد بود. بخش خصوصی که سرچشمه‌اش گوناگونی سلیقه‌ها است، در هر دو نوع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد (جیمز، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

د. نظریه سرمایه انسانی

نظریه سرمایه انسانی پایه تحلیل اقتصادی گسترش آموزش عالی است. این نظریه مدعی تبیین سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به عنوان کارکردی از تلاش اساسی انسان برای دستیابی به امنیت اجتماعی و توانمندی است. زیرا به طور کلی فرض شده است که آموزش عالی در طول زمان منجر به درآمد اقتصادی بیشتر می‌شود (هویت، ۲۰۰۷). این نظریه هم‌چنین فرض می‌کند که در اقتصاد بازاری، اختلاف در به دست آوردن درآمد، انعکاسی از اختلاف در بهره‌وری است. بازار کار از یک طرف به مهارت‌ها و توانایی‌های افراد اشاره دارد که آماده فروش آن‌ها هستند و از طرف دیگر، بیانگر تقاضاهایی است که کارفرمایان برای انواع خاص مهارت‌ها در بازار دارند. در بازار کار سالم، مزدهای بازار کار، مهارت‌های مردم را انعکاس می‌دهند (صالحی عمران، ۱۳۸۳: ۵۶). اگرچه شواهدی وجود دارد که گاهی اوقات تقاضای آموزش عالی به دلیل مدرک‌گرایی است تا مفروضات سرمایه انسانی (ولف، ۲۰۰۳؛ براون، ۲۰۰۳)، شواهد بسیار زیادی هم وجود دارد که کارفرمایان به دنبال استخدام دانش‌آموختگانی هستند که مهارت‌های پیشرفته‌ای برای تولید و خدمات دارند (میسون، ۲۰۰۲؛ ای. جی. آر.، ۲۰۰۲).

همان‌طور که عنوان شد چارچوب نظری این تحقیق، مرکب از نظریه‌های تقاضای اجتماعی، تقاضای اضافه، گوناگونی تقاضا و سرمایه انسانی است. هریک از این نظریه‌ها می‌توانند به نحوی بر تفکر سیاست‌گذاران توسعه آموزش عالی (بعد عرضه)، و از طرف دیگر متقاضیان و داوطلبان ورود به آموزش عالی (بعد تقاضا) تأثیر بگذارند. گفتنی است در الگوی تحلیلی تحقیق حاضر، رابطه متغیرهای زمینه‌ای و نظری تحقیق با موضوع تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی از سوی مؤسسان یا عرضه‌کنندگان و انتخاب

². Excess demand

³. Second best solution

⁴. Differentiated demand

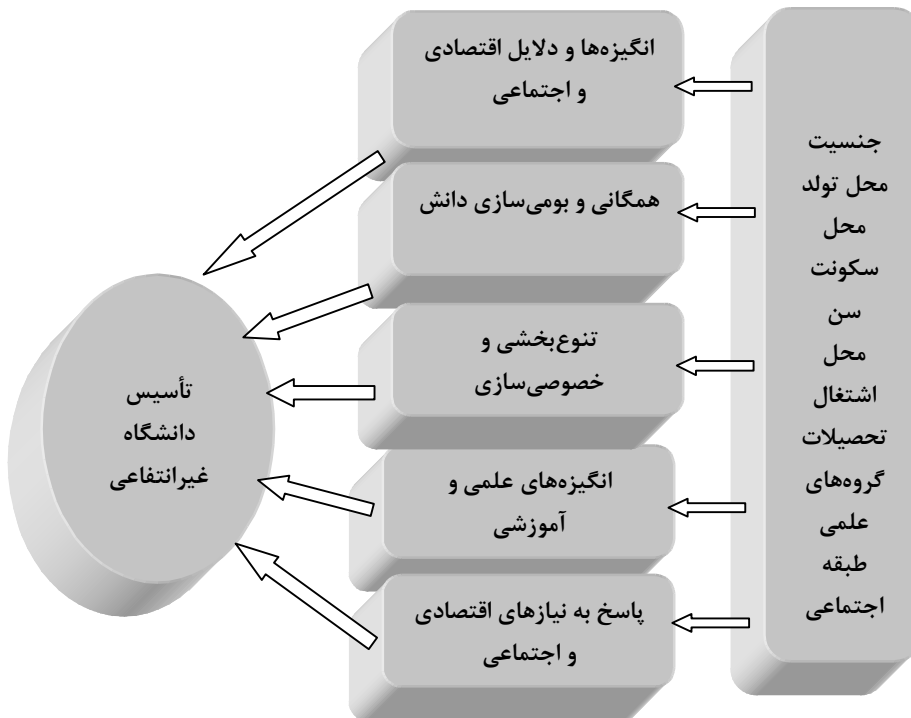
⁵ AGR

دانشگاه غیرانتفاعی از سوی دانشجویان یا متقاضیان، مشخص شده است.

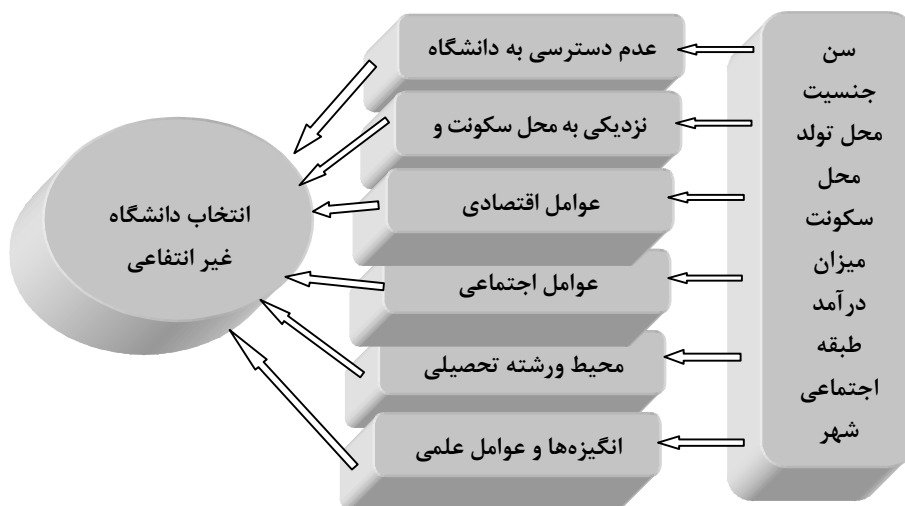
الگوی تحلیلی تحقیق

در این پژوهش ما با دو الگوی تحلیلی تقریباً مشابه روبه‌رو هستیم که برگرفته از یک چارچوب نظری‌اند، اما از آن‌جا که جامعه آماری ما دو قشر متفاوت بوده‌اند، صورت دادن تغییرات اندکی در الگوی تحلیلی هریک از این دو جامعه لازم بوده است.

(الگوی تحلیلی مربوط به جامعه آماری مؤسسان)



الگوی تحلیلی مربوط به جامعه آماری دانشجویان (انگیزه‌ها و دلایل دانشجویان)



۱. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایش است و با استفاده از پرسش‌نامه، داده‌های دست اول مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی و مؤسسان این نوع دانشگاه‌ها گردآوری و تجزیه و تحلیل گردیده است.

۲. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل مؤسسات و دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی است. با توجه به محدودیت‌های موجود، جامعه آماری دانشجویان این پژوهش را، دانشجویان این نوع دانشگاه‌ها و مؤسسات در استان مازندران تشکیل می‌دهند. اما به دلیل مشکلات، موانع و محدودیت‌های بیشتر در زمینه دسترسی به مؤسسات دانشگاه‌های غیرانتفاعی، جامعه آماری مؤسسات، شامل کسانی است که در نشست دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در تابستان سال ۱۳۸۶ در دانشگاه شیخ بهایی اصفهان حضور یافته‌اند، به‌علاوه مؤسسات این نوع دانشگاه‌ها و مؤسسات در استان مازندران.

۳. روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌بندی استفاده شده است. مهم‌ترین نکته در مورد نمونه‌گیری خوشه‌ای این است که در آغاز ضرورتی برای فهرست کردن تمام عناصری که واحدهای نمونه‌گیری نهایی را تشکیل می‌دهند نیست، بلکه فقط باید فهرست تمام خوشه‌ها را تهیه کرد، که غالباً با نمونه‌گیری طبقه‌بندی ترکیب می‌شود (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۷۸). بنابراین، داده‌های مربوط به این پژوهش، ابتدا از مؤسسات دانشگاه‌های غیرانتفاعی استان مازندران در سه شهر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای و مؤسسات این نوع دانشگاه‌ها و مؤسسات که در نشست تابستان ۱۳۸۶ در دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی شیخ بهایی اصفهان حضور یافته بودند و پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کرده بودند گردآوری گردید. برای گردآوری داده‌های مربوط به دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی استان مازندران نیز از همین روش استفاده شد. در این حالت ابتدا خوشه، نمونه‌گیری شد. سپس از پاره‌گروه‌های (طبقات) هریک از این خوشه‌ها، نمونه‌گیری به عمل آمد و سرانجام نمونه‌ها از واحدهای فردی هریک از این پاره‌گروه‌ها، با روش تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها تکمیل گردید.

حجم نمونه: حجم نمونه غیراحتمالی مؤسسات دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی، ۱۵۵ نفر است. اما حجم نمونه دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی استان از طریق فرمول کوکران تعیین شده است که از حجم آماری حدوداً ۱۶۰۰۰ نفری دانشجویان، حجم نمونه ۲۹۰ نفری به دست آمده است.

تعریف عملیاتی و شاخص‌سازی متغیرها: برای عملیاتی کردن متغیرهای مربوط به انگیزه‌ها و دلایل مؤسسات برای تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دلایل دانشجویان برای انتخاب دانشگاه غیرانتفاعی به‌عنوان محل تحصیل، سؤالات و گویه‌هایی تدوین شدند که هر کدام با یک طیف پنج درجه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم سنجیده شدند.

جدول ۱. تعریف متغیرها

متغیر	ابعاد متغیر	تعداد گویه
دلایل و عوامل مؤثر در تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی	دلایل و عوامل مؤثر علمی آموزشی	۹
	دلایل و عوامل مؤثر در همگانی‌سازی و بومی‌سازی دانش	۴
	دلایل و عوامل مؤثر در پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی جامعه	۱۱
	دلایل و عوامل مؤثر در خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی به آموزش عالی	۵
دلایل و عوامل مؤثر در تحصیل دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی	دلایل و عوامل مؤثر اقتصادی - اجتماعی مربوط به افراد	۱۱
	عوامل اجتماعی	۷
	عدم دسترسی به دانشگاه‌های دولتی	۶
	نزدیکی به محل سکونت و والدین	۵
	عوامل اقتصادی	۷
	محیط و رشته دلخواه	۸
	عوامل علمی - آموزشی	۳

یافته‌های تحقیق

در این قسمت از مقاله، مهم‌ترین یافته‌های تحقیق که مربوط به اهمیت عوامل مؤثر در تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی یا تحصیل دانشجویان در این نوع دانشگاه‌ها می‌شود ارائه می‌گردد.

الف. نتایج و یافته‌های مربوط به جامعه آماری مؤسسان

در توصیف جامعه آماری مؤسسان باید گفت اکثر پاسخ‌گویان، یعنی حدود ۶۲ درصد آنان بالای ۵۱ سال داشته‌اند و ۹۳/۵ درصد نیز مرد بوده‌اند. ۶۵ درصد، محل تولد خود را مازندران و ۱۲ درصد تهران و ۲۳ درصد سایر استان‌ها ذکر کرده‌اند. اکثر افراد جامعه آماری، به عبارتی ۸۳ درصد آنان شغل خود را استاد دانشگاه اعلام کرده‌اند و ۱۳ درصد نیز معلم و ۱۲ درصد نیز مهندس بوده‌اند. محل اشتغال ۴۳ درصد افراد مازندران، ۱۱ درصد تهران و ۴۶ درصد در سایر استان‌ها بوده است. هم‌چنین مدرک تحصیلی ۷۵ درصد پاسخ‌گویان دکتری، ۲۵ درصد لیسانس و فوق لیسانس بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ۴۱ درصد افراد جامعه آماری ما در گروه علمی فنی و علوم پایه قرار داشته‌اند و حدوداً ۴۷ درصد نیز در گروه علوم انسانی و ۱۲ درصد در گروه هنر و کشاورزی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. درصد فراوانی مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی برحسب میزان و انواع انگیزه در تأسیس دانشگاه

نوع انگیزه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بی‌پاسخ	میانگین از ۵
علمی - آموزشی	۴۶/۹	۳۴/۶	۱۱/۵	۲/۹	۱/۴	۲/۹	۴/۲۴
بومی‌سازی و همگانی‌سازی	۲۷/۱	۲۱/۸	۲۶/۹	۶/۵	۱۳/۵	۴/۲	۳/۴۰
اقتصادی و اجتماعی	۱۴/۸	۲۸/۷	۲۰/۵	۱۳/۱	۱۸/۴	۴/۶	۳/۱۰
خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی	۲۸/۸	۳۸/۱	۱۳/۰	۱۰/۵	۴/۶	۵/۰	۳/۸۱
پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی	۲۶/۵	۳۴/۰	۲۲/۸	۸/۷	۵/۲	۲/۹	۳/۶۴
کل	۲۸/۲	۳۲/۰	۱۸/۸	۸/۶	۸/۷	۳/۸	۳/۶۰

درصد فراوانی مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی برحسب میزان و انواع انگیزه در تأسیس این نوع دانشگاه‌ها در جدول ۲ آمده است. بر اساس یافته‌های جدول مذکور می‌توان گفت:

- تقریباً ۸۱ درصد مؤسسان دارای انگیزه‌های علمی - آموزشی زیاد و خیلی زیادی در تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی‌اند. در مقابل، میزان انگیزه‌های علمی - آموزشی ۴ درصد آن‌ها، کم و خیلی کم است.
- تقریباً ۴۹ درصد افراد تا حد زیاد و خیلی زیادی، با هدف بومی‌سازی و همگانی‌سازی دست به تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی زدند. در حالی که میزان این نوع انگیزه در تقریباً ۱۸ درصد مؤسسان، کم و خیلی کم است.
- تقریباً ۴۳ درصد پاسخ‌گویان، تا حد زیاد و خیلی زیادی، از تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی انگیزه اقتصادی دارند. در مقابل، میزان این نوع انگیزه در ۲۳ درصد پاسخ‌گویان، کم و خیلی کم است.
- تقریباً ۶۷ درصد مؤسسان تا حد زیاد و خیلی زیادی با هدف خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی دست به تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی زدند؛ در حالی که میزان این انگیزه در ۱۰ درصد پاسخ‌گویان، کم و خیلی کم است.
- تقریباً ۶۰ درصد مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی، در تأسیس این دانشگاه‌ها، تا حدود زیاد و خیلی زیادی توجه خود را به نیازهای اقتصادی - اجتماعی جامعه معطوف کرده‌اند و به عبارت دیگر، داده‌های جدول، مبین آن است که بخشی از توجهات مؤسسان، معطوف به نیازهایی بوده است که در جامعه وجود دارد و نهادهای موجود قادر به پاسخ‌گویی به آن نبوده‌اند. در مقابل، توجه ۸ درصد افراد به این نوع انگیزه، کم و خیلی کم بوده است.

۶) در مجموع می‌توان گفت ۶۰ درصد مؤسسان دارای انگیزه‌های زیاد و خیلی زیادی برای تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی داشته‌اند.

۷) مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد، میانگین انگیزه‌های علمی - آموزشی نزد مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی در بالاترین سطح قرار دارد که میزان آن ۴/۲۴ از ۵ است. میانگین انگیزه‌های اقتصادی - اجتماعی نیز در پایین‌ترین سطح قرار دارد که رقم آن ۳/۱۰ از ۵ می‌باشد. به عبارت دیگر، داده‌های میانگین نشان می‌دهند که دلایل و انگیزه‌های مؤسسان در تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی دارای دو جهت‌گیری مهم است. اول، تأمین تقاضاهای اساسی جامعه، نه نیازهای شخصی خود. دوم، جهت‌گیری‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی مؤسسان، که بسیار قوی‌تر از جهت‌گیری اقتصادی نزد آنان است.

جدول ۳. مقایسه میزان انواع انگیزه مؤسسان بر حسب جنسیت

نوع انگیزه	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	معناداری
علمی - آموزشی	مرد	۳۸/۶۳	۴/۲۷	۱۶/۷۸۰	۹۵/۴۱۳	۰/۰۰۰
	زن	۳۱/۸۰	۰/۶۳			
بومی‌سازی و همگانی‌سازی	مرد	۱۳/۶۴	۳/۵۳	۲/۳۵۳	۶۹/۳۰۳	۰/۰۲۱
	زن	۱۲/۸۰	۰/۶۳			
اقتصادی و اجتماعی	مرد	۳۴/۲۷	۷/۰۹	۰/۸۱۹	۱۵۳	۰/۴۱۴
	زن	۳۲/۴۰	۵/۰۶			
خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی	مرد	۱۹/۲۷	۴/۱۲	۶/۹۸۱	۲۶/۰۸۰	۰/۰۰۰
	زن	۱۵/۶۰	۱/۲۴			
پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی	مرد	۴۰/۲۰	۶/۸۸	۳/۹۶۳	۱۵۰/۶۹۰	۰/۰۰۰
	زن	۳۷/۹۰	۰/۳۲			
کل	مرد	۱۴۵/۰۹	۱۹/۶۶	۲/۳۲۸	۱۵۳	۰/۰۲۱
	زن	۱۳۰/۵۰	۷/۹۱			

جهت بررسی تأثیر جنسیت بر انگیزه تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی از آزمون تی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. داده‌های این جدول نشان می‌دهد تفاوت میانگین انگیزه اقتصادی - اجتماعی در بین زنان و مردان معنادار نیست. اما در سایر انگیزه‌ها و در کل بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین این نوع انگیزه‌ها در بین مؤسسان مرد بیشتر از مؤسسان زن است.

جدول ۴. مقایسه میزان انواع انگیزه مؤسسان بر حسب مقطع تحصیلی

نوع انگیزه	مقطع تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	معناداری
علمی - آموزشی	دکتری	۳۸/۴۶	۴/۷۰	۱/۲۸۴	۱۵۰	۰/۲۰۱
	لیسانس و فوق لیسانس	۳۷/۳۸	۳/۷۸			
بومی‌سازی و همگانی‌سازی	دکتری	۱۳/۲۱	۳/۶۶	-۲/۴۵۳	۹۵/۰۲۰	۰/۰۱۶
	لیسانس و فوق لیسانس	۱۴/۵۰	۲/۴۶			
اقتصادی و	دکتری	۳۳/۷۳	۷/۸۲	-۱/۷۵۸	۱۳۲/۷۴۶	۰/۰۸۱

			۳/۷۰	۳۵/۴۰	لیسانس و فوق لیسانس	اجتماعی
۰/۳۱۳	۱۵۰	-۱/۰۱۲	۴/۴۶	۱۸/۷۸	دکتری	خصوصی سازی و تنوع بخشی
			۲/۸۰	۱۹/۵۶	لیسانس و فوق لیسانس	
۰/۰۰۳	۱۰۶/۵۷۱	-۳/۰۲۶	۷/۲۴	۳۹/۳۱	دکتری	پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی
			۴/۳۷	۴۲/۲۸	لیسانس و فوق لیسانس	
۰/۲۷۲	۱۵۰	-۱/۱۰۲	۲۱/۴۹	۱۴۳/۱۴	دکتری	کل
			۱۲/۲۶	۱۴۷/۱۹	لیسانس و فوق لیسانس	

جدول ۵. مقایسه میزان انواع انگیزه مؤسسان بر حسب رشته تحصیلی

معتاداری	اف	میانگین	فراوانی	مقطع تحصیلی	نوع انگیزه
۰/۰۱۰	۳/۵۰۰	۳۹/۵۲	۱۲	فنی و مهندسی	علمی - آموزشی
		۳۹/۱۵	۴۲	علوم پایه	
		۳۶/۶۴	۶۱	علوم انسانی	
		۳۶/۷۸	۹	کشاورزی	
		۳۷/۰۰	۷	هنر	
۰/۰۵۳	۲/۴۰۴	۱۶/۴۲	۱۲	فنی و مهندسی	بومی سازی و همگانی سازی
		۱۳/۰۰	۴۲	علوم پایه	
		۱۳/۹۵	۶۱	علوم انسانی	
		۱۳/۶۷	۹	کشاورزی	
		۱۴/۰۰	۷	هنر	
۰/۰۴۱	۲/۵۷۳	۳۷/۳۵	۱۲	فنی و مهندسی	اقتصادی و اجتماعی
		۳۴/۸۱	۴۲	علوم پایه	
		۳۴/۵۱	۶۱	علوم انسانی	
		۲۸/۸۹	۹	کشاورزی	
		۳۸/۰۰	۷	هنر	
۰/۰۴۶	۲/۵۰۳	۲۰/۸۴	۱۲	فنی و مهندسی	خصوصی سازی و تنوع بخشی
		۱۸/۳۲	۴۲	علوم پایه	
		۱۸/۸۹	۶۱	علوم انسانی	
		۱۶/۶۷	۹	کشاورزی	
		۲۱/۰۰	۷	هنر	
۰/۰۰۴	۴/۰۱۴	۴۵/۴۳	۱۲	فنی و مهندسی	پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی
		۳۷/۹۴	۴۲	علوم پایه	
		۴۰/۵۱	۶۱	علوم انسانی	
		۳۹/۶۷	۹	کشاورزی	
		۴۴/۰۰	۷	هنر	
۰/۱۸۶	۱/۵۷۲	۱۵۳/۰۹	۱۲	فنی و مهندسی	کل
		۱۴۲/۱۶	۴۲	علوم پایه	
		۱۴۴/۳۳	۶۱	علوم انسانی	
		۱۳۵/۶۷	۹	کشاورزی	
		۱۵۴/۰۰	۷	هنر	

جهت بررسی تأثیر مقطع تحصیلی مؤسسان بر انگیزه آنان از تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی، از آزمون تی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. نتایج جدول نشان می‌دهد انگیزه بومی‌سازی و همگانی‌سازی افراد لیسانس و فوق

لیسانس (۱۴/۵) بیشتر از میانگین این نوع انگیزه در بین افراد با درجه دکتری (۱۳/۲۱) است و این تفاوت معنادار است. در مورد انگیزه پاسخ به نیازهای اقتصادی- اجتماعی باید گفت که میانگین این نوع انگیزه نزد پاسخ‌گویان لیسانس و فوق لیسانس (۴۲/۲۸) بیشتر از میانگین این نوع انگیزه در بین افراد با درجه دکتری (۳۹/۳۱) می‌باشد و این تفاوت معنادار است. در سایر موارد تفاوت میانگین دو گروه مذکور معنادار نبود.

جهت بررسی تأثیر رشته تحصیلی مؤسسات دانشگاه‌های غیرانتفاعی بر انگیزه تأسیس این نوع دانشگاه‌ها از آزمون اف استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۵ آمده است. با توجه به داده‌های جدول مذکور می‌توان گفت:

۱) انگیزه علمی - آموزشی مؤسسات برحسب رشته تحصیلی آنان تفاوت معناداری دارد. میانگین این نوع انگیزه‌ها در مؤسسات رشته فنی و مهندسی (۳۹/۵۲) و علوم پایه (۳۹/۱۵) بیشتر از میانگین این نوع انگیزه در مؤسسات سایر رشته‌ها است. میانگین انگیزه علمی آموزشی مؤسسات رشته‌های علوم انسانی (۳۶/۶۴) در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

۲) میانگین انگیزه اقتصادی- اجتماعی افراد برحسب رشته تحصیلی تفاوت معناداری دارد. مؤسسات رشته هنر (با میانگین ۳۸) و کشاورزی (با میانگین ۲۸/۸۹) به ترتیب بیشترین و کمترین انگیزه اقتصادی- اجتماعی را برای تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی داشته‌اند.

۳) در مورد انگیزه خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی باید گفت میانگین این نوع انگیزه در بین مؤسسات برحسب رشته تحصیلی تفاوت معناداری دارد. میانگین این نوع انگیزه در بین مؤسسات رشته هنر (۲۱) و رشته کشاورزی (۱۶/۶۷) به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح قرار دارد.

۴) میانگین انگیزه پاسخ به نیازهای اقتصادی- اجتماعی در بین مؤسسات برحسب رشته تحصیلی تفاوت معناداری دارد. میانگین این نوع انگیزه در بین مؤسسات رشته فنی و مهندسی (۴۵/۴۳) در بالاترین سطح و در بین مؤسسات رشته علوم پایه (۳۷/۹۴) در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

۵) تفاوت میانگین انگیزه بومی‌سازی و همگانی‌سازی و انگیزه کل در بین مؤسسات برحسب رشته تحصیلی معنادار نبود.

جدول ۶. آزمون ضریب همبستگی بین انواع انگیزه و سن

نوع انگیزه	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
علمی- آموزشی	۰/۰۵۶	۰/۵۰۵
بومی‌سازی و همگانی‌سازی	-۰/۱۴۲	۰/۰۹۱
اقتصادی و اجتماعی	-۰/۲۹۸	۰/۰۰۰
خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی	-۰/۱۲۳	۰/۱۴۵
پاسخ به نیازهای اقتصادی- اجتماعی	-۰/۱۹۱	۰/۰۲۲
کل	-۰/۲۲۵	۰/۰۰۷

ضریب همبستگی بین متغیر سن و انواع انگیزه‌ها (جدول ۶) نشان می‌دهد که بین سن و انگیزه‌های اقتصادی- اجتماعی، پاسخ به نیازهای اقتصادی- اجتماعی و کل، رابطه منفی و معناداری برقرار است. در سایر موارد رابطه موجود معنادار نبود.

ب. یافته‌های مربوط به جامعه آماری دانشجویان یا متقاضیان آموزش عالی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۵۲/۴ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۷/۶ درصد آن‌ها زن هستند. دامنه سنی جامعه آماری ۱۸ تا ۳۲ سال است که بیشترین درصد (۲۶/۲) به گروه سنی ۲۱ سال تعلق دارد. به لحاظ وضعیت تأهل نیز، حدود ۹۲ درصد مجرد و ۸ درصد متأهل می‌باشند. هم‌چنین تقریباً ۴۲ درصد دانشجویان در گروه فنی- مهندسی، ۲۰ درصد در گروه هنر، ۱۸ درصد در گروه علوم انسانی، ۱۵ درصد کشاورزی و ۲ درصد در گروه علوم پایه مشغول به تحصیل‌اند. باید اضافه کرد که مقطع تحصیلی ۳۶/۹ درصد افراد کارشناسی، ۴۵/۲ درصد کاردانی و ۱۵/۵ درصد کارشناسی ناپیوسته است.

جدول ۷. درصد فراوانی پاسخ‌گویان برحسب نوع انگیزه تحصیل در دانشگاه غیرانتفاعی

نوع انگیزه	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	پاسخ نداده	کل	میانگین
انگیزه اقتصادی	٪۱۳/۰	٪۱۲/۷	٪۳۱/۲	٪۲۲/۲	٪۱۹/۷	٪۱/۲	٪۱۰۰	۳/۲۳
انگیزه اجتماعی	٪۱۴/۰	٪۱۵/۳	٪۳۴/۷	٪۲۰/۰	٪۱۴/۵	٪۱/۵	٪۱۰۰	۳/۰۶
نزدیکی به خانواده و دوستان	٪۱۷/۷	٪۱۷/۷	٪۳۰/۰	٪۱۸/۷	٪۱۵/۲	٪۰/۷	٪۱۰۰	۲/۹۶
انگیزه محیطی	٪۱۶/۷	٪۱۸/۲	٪۳۱/۲	٪۱۸/۶	٪۱۴/۰	٪۱/۳	٪۱۰۰	۲/۹۴
عدم دسترسی به دانشگاه دولتی	٪۱۵/۸	٪۱۷/۷	٪۳۵/۹	٪۱۷/۴	٪۱۲/۴	٪۰/۸	٪۱۰۰	۲/۹۲
انگیزه علمی	٪۲۴/۴	٪۲۲/۸	٪۲۸/۸	٪۱۴/۱	٪۸/۶	٪۱/۳	٪۱۰۰	۲/۵۹
کل	٪۱۶/۱	٪۱۶/۸	٪۳۲/۳	٪۱۹/۰	٪۱۴/۷	٪۱/۱	٪۱۰۰	۲/۹۹

درصد فراوانی پاسخ‌گویان برحسب نوع انگیزه تحصیل در دانشگاه غیرانتفاعی در جدول ۷ آمده است. با توجه به یافته‌های این جدول می‌توان گفت:

۱) ۴۱/۹ درصد افراد دارای انگیزه اقتصادی زیاد و خیلی زیادی هستند. در مقابل این نوع انگیزه در ۲۵/۷ درصد افراد کم و خیلی کم است.

۲) ۲۲/۷ درصد افراد دارای انگیزه علمی زیاد و خیلی زیادی می‌باشند. در حالی که ۴۷/۲ درصد افراد دارای انگیزه علمی کم و بسیار کمی هستند.

۳) به طور کلی انگیزه تحصیل ۳۳/۷ درصد افراد در دانشگاه غیرانتفاعی زیاد و خیلی زیاد و در مقابل انگیزه ۳۲/۹ درصد آنان برای تحصیل در این نوع دانشگاه‌ها، کم و بسیار کم است.

۴) مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد بیشترین میانگین (۳/۲۳ از ۵) به انگیزه اقتصادی و کمترین میانگین به انگیزه علمی (۲/۵۹ از ۵) اختصاص دارد. انگیزه اقتصادی تقریباً ۱۳ درصد بیشتر از انگیزه علمی است. این بدان معناست که دانشجویانی که در دانشگاه‌های غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند انگیزه‌های اقتصادی بیشتری نسبت به انگیزه‌های علمی، جهت تحصیل در دانشگاه‌های مذکور دارند.

۵) به طور کلی انگیزه تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی ۲/۹۹ از ۵ است که تقریباً در حد متوسط می‌باشد.

جدول ۸. خروجی آزمون تی جهت مقایسه میانگین انواع انگیزه‌های تحصیلی برحسب جنسیت

نوع انگیزه	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معناداری
عدم دسترسی به دانشگاه دولتی	مرد	۱۵۰	۱۷/۹۷	۳/۸۶	۲/۱۲۲	۰/۰۳۵
	زن	۱۳۵	۱۷/۰۳	۳/۵۶		
نزدیکی به والدین و دوستان	مرد	۱۵۱	۱۴/۵۱	۴/۱۵	-۱/۳۱۴	۰/۱۹۰
	زن	۱۳۷	۱۵/۱۴	۳/۹۶		
انگیزه اقتصادی	مرد	۱۴۹	۲۲/۴۴	۴/۴۸	-۰/۵۴۹	۰/۵۸۳
	زن	۱۳۶	۲۲/۷۴	۴/۵۰		
انگیزه علمی	مرد	۱۵۱	۷/۹۴	۲/۸۱	۱/۰۱۷	۰/۳۱۰
	زن	۱۳۵	۷/۶۱	۲/۷۱		
انگیزه اجتماعی	مرد	۱۴۹	۲۱/۳۳	۴/۹۸	-۰/۲۴۹	۰/۸۰۳
	زن	۱۳۵	۲۱/۴۷	۴/۸۱		

۰/۶۰۵	-۰/۵۱۸	۵/۴۳	۲۳/۴۱	۱۴۸	مرد	انگیزه محیطی (محیط دانشگاه و رشته دلخواه)
		۵/۰۲	۲۳/۷۳	۱۳۳	زن	
۰/۸۱۹	-۰/۲۲۹	۲۰/۵۲	۱۰۷/۴۷	۱۴۸	مرد	کل
		۱۹/۳۶	۱۰۸/۰۲	۱۳۰	زن	

با توجه به یافته‌های جدول ۸ می‌توان گفت تفاوت میانگین انگیزه عدم دسترسی به دانشگاه‌ها در مردان و زنان معنادار است و میانگین این نوع انگیزه در بین مردان (۱۷/۹۷) بیشتر از میانگین آن در بین زنان (۱۷/۰۳) است. میانگین انواع دیگر انگیزه‌ها در بین دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری ندارد. همچنین تفاوت میانگین انگیزه کل در بین زنان و مردان معنادار نیست.

یافته‌های جدول ۹ نشان می‌دهد از میان انواع انگیزه‌های مطرح شده، تفاوت میانگین انگیزه علمی و انگیزه محیطی پاسخ‌گویان برحسب رشته تحصیلی آن‌ها معنادار است. مقایسه میانگین این نوع انگیزه‌ها حاکی از آن است که میانگین انگیزه علمی دانشجویان رشته علوم انسانی (۹/۲۹) و دانشجویان رشته علوم پایه (۵/۸۳) به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح قرار دارد. در مورد انگیزه‌های محیطی نیز بیشترین میانگین (۲۵/۰۶) به گروه علوم انسانی و کمترین میانگین (۱۹/۱۷) به گروه علوم پایه اختصاص دارد. گفتنی است تفاوت گروه‌ها در انگیزه کل معنادار نمی‌باشد.

جدول ۹. خروجی آزمون اف جهت مقایسه میانگین انواع انگیزه‌های تحصیلی برحسب رشته تحصیلی پاسخ‌گو

نوع انگیزه	رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	اف	سطح معناداری
عدم دسترسی به دانشگاه دولتی	انسانی	۵۲	۱۷/۶۳	۰/۳۶۵	۰/۸۳۴
	فنی	۱۲۰	۱۷/۶۰		
	علوم پایه	۵	۱۶/۲۰		
	هنر	۵۸	۱۷/۸۳		
	کشاورزی	۴۰	۱۷/۱۵		
نزدیکی به والدین و دوستان	انسانی	۵۲	۱۶/۲۱	۱/۸۵۵	۰/۱۱۹
	فنی	۱۲۱	۱۴/۵۵		
	علوم پایه	۶	۱۴/۰۰		
	هنر	۵۹	۱۴/۶۸		
	کشاورزی	۴۰	۱۴/۵۰		
انگیزه اقتصادی	انسانی	۵۱	۲۲/۵۹	۰/۹۲	۰/۴۱۸
	فنی	۱۱۹	۲۲/۴۶		
	علوم پایه	۶	۱۹/۸۳		
	هنر	۵۹	۲۳/۱۵		
	کشاورزی	۴۰	۲۳/۱۲		

ادامه جدول ۹. خروجی آزمون اف جهت مقایسه میانگین انواع انگیزه‌های تحصیلی برحسب رشته تحصیلی پاسخ‌گو

نوع انگیزه	رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	اف	سطح معناداری
انگیزه علمی	انسانی	۵۱	۹/۲۹	۸/۴۳۴	۰/۰۰۰
	فنی	۱۲۰	۷/۹۳		
	علوم پایه	۶	۵/۸۳		
	هنر	۵۹	۷/۴۹		
	کشاورزی	۴۰	۶/۳۰		

۰/۷۲۳	۰/۵۱۸	۲۱/۹۶	۵۱	انسانی	انگیزه اجتماعی
		۲۱/۱۵	۱۱۸	فنی	
		۱۹/۶۷	۶	علوم پایه	
		۲۱/۷۶	۵۹	هنر	
		۲۱/۴۲	۴۰	کشاورزی	
۰/۰۰۲	۴/۴۰۲	۲۵/۰۶	۵۰	انسانی	انگیزه محیطی (محیط دانشگاه و رشته دلخواه)
		۲۲/۴۷	۱۱۸	فنی	
		۱۹/۱۷	۶	علوم پایه	
		۲۴/۷۳	۵۹	هنر	
		۲۴/۱۸	۳۸	کشاورزی	
۰/۲۰۷	۱/۴۸۷	۱۱۲/۳۳	۴۹	انسانی	کل
		۱۰۶/۰۸	۱۱۸	فنی	
		۹۶/۰۰	۵	علوم پایه	
		۱۰۹/۸۴	۵۸	هنر	
		۱۰۷/۳۹	۳۸	کشاورزی	

جدول ۱۰. ضرایب همبستگی انگیزه با سن پاسخ‌گویان

سطح معناداری	ضریب همبستگی	فراوانی	نوع انگیزه
۰/۲۳۵	-۰/۰۷۱	۲۷۹	عدم دسترسی به دانشگاه دولتی
۰/۰۸۶	-۰/۱۰۲	۲۸۲	نزدیکی به والدین و دوستان
۰/۹۲۵	۰/۰۰۶	۲۷۹	انگیزه اقتصادی
۰/۲۸۲	-۰/۰۶۵	۲۸۰	انگیزه علمی
۰/۸۵۱	-۰/۰۱۱	۲۷۸	انگیزه اجتماعی
۰/۸۵۱	-۰/۰۴۲	۲۷۵	انگیزه محیطی (محیط دانشگاه و رشته دلخواه)
۰/۲۶۸	-۰/۰۶۷	۲۷۲	کل

نتایج ضرایب همبستگی بین انواع انگیزه تحصیلی با متغیرهای سن و درآمد خانواده در جدول ۱۰ آمده است. سطوح معناداری نشان می‌دهد که رابطه بین انگیزه نزدیکی به والدین و دوستان و انگیزه اقتصادی با درآمد معنادار است. رابطه بین درآمد خانواده با انگیزه اقتصادی (۰/۱۷۵-) قوی‌تر از رابطه آن با انگیزه نزدیکی به والدین و دوستان (۰/۱۵۹-) می‌باشد. البته در هر دو مورد جهت رابطه منفی است. در سایر موارد رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته معنادار نیست.

ج. مقایسه میانگین‌های مربوط به مؤسسان و دانشجویان دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی

میانگین‌های مربوط به دو جامعه آماری نشان می‌دهد انگیزه‌ها و عوامل مؤثر بر مؤسسان در تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دانشجویان برای تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی، تا حدودی با هم متفاوت است و این تفاوت به لحاظ منطق نظری، معنی‌دار است. برای مثال، میانگین عوامل علمی - آموزشی مؤثر بر مؤسسان در تأسیس دانشگاه‌های غیردولتی ۴/۲۴ از ۵ است؛ در حالی که میانگین این عوامل برای دانشجویان در انتخاب دانشگاه‌های غیردولتی برای تحصیل، ۲/۵۹ از ۵ است. از طرف دیگر، این دسته از عوامل، برای مؤسسان، مهم‌ترین دلیل تأسیس دانشگاه‌های غیرانتفاعی بوده است. حال آن‌که، برای دانشجویان، اهمیت عوامل علمی - آموزشی در انتخاب دانشگاه غیرانتفاعی، کم‌اهمیت‌ترین عامل بوده است.

اگر از دیدگاه نظری هم به میانگین‌ها توجه شود، تفاوت‌های موجود بین دو دسته از افرادی که دارای اهداف، ابزار و فرصت‌های متفاوت هستند، قابل درک می‌شود. بدین معنی که مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی، عرضه‌کنندگان آموزش عالی تلقی می‌شوند؛ در صورتی که دانشجویان، متقاضیان آموزش هستند. طبیعی است که دلایل و عوامل مؤثر بر ارائه خدمات آموزشی از سوی عرضه‌کنندگان تا حدودی متفاوت با دریافت‌کنندگان خدمات آموزش عالی باشد. چرا که اهداف و منافع عرضه‌کنندگان و متقاضیان تا حدی متفاوت

است. لیکن این تفاوت آن قدر زیاد نیست که طرفین نتوانند اهداف و منافع گروه مقابل را نادیده بگیرند. به عبارت دیگر، عرضه کنندگان و متقاضیان، ضمن داشتن تفاوت‌هایی با یکدیگر، وجوه اشتراکی دارند که تا حدی همکاری آنان را تضمین می‌کند: هر دو گروه مؤسسان (عرضه‌کنندگان) و دانشجویان (متقاضیان)، کنش‌گران آگاه در حوزه آموزش عالی تلقی می‌شوند. هر دو گروه، با توجه به جایگاه و منافع خود، اقدام به کنش می‌کنند. برای مثال، دانشگاه غیرانتفاعی سعی می‌کند خدمات آموزشی مناسب‌تری عرضه کند و دانشجو می‌کوشد با هزینه اقتصادی - اجتماعی کمتری، منفعت قابل قبول را دنبال کند. رفتار هر دو گروه کنش‌گران، متأثر از شرایط کلی جامعه و رفتار کنش‌گران دیگر در حوزه آموزش عالی مانند ظرفیت و تنوع دانشگاه‌های دولتی و... و وضعیت دیگر نهادهای جامعه مانند اشتغال است. رفتار هر دو گروه، منعکس‌کننده فشارها و فرصت‌های موجود در جامعه است و این وضعیت بر هر دو گروه، تأثیر نسبتاً یکسانی دارد. هر دو گروه، براساس نوعی تحلیل هزینه-فایده دست به اقدام می‌زنند تا بتوانند براساس شرایط موجود به اهداف مورد نظر دست یابند.

به هر حال، دلایل و عواملی که باعث شده‌اند مؤسسان به تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی اقدام کنند به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: انگیزه‌ها و دلایل علمی و آموزشی؛ تنوع‌بخشی به آموزش عالی؛ پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی جامعه؛ همگانی‌سازی و بومی‌سازی آموزش عالی؛ انگیزه‌ها و دلایل شخصی اقتصادی - اجتماعی. در حالی که اولویت‌های دانشجویان برای تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی عبارت بودند از: عوامل اقتصادی؛ عوامل و فشارهای اجتماعی جامعه؛ نزدیکی به محل سکونت و بودن در کنار نزدیکان؛ محیط دانشگاهی و رشته دلخواه؛ عدم دسترسی به دانشگاه‌های دولتی؛ عوامل علمی - آموزشی.

مقایسه نتایج پژوهشی مقاله حاضر با تحقیقات پیشین

نتایج تحقیق، برخی نتایج تحقیقات پیشین را تأیید می‌کند، هرچند که موضوع این تحقیق و هم‌چنین متغیرها و روابطی که در آن مد نظر قرار گرفته‌اند، در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. یکی از نتایج مهمی که در تحقیقات پیشین (جیانلی و منفردینی، ۲۰۰۰؛ لی و مین، ۲۰۰۱) به آن اشاره شد و در مقاله حاضر هم به آن دست یافتیم و از پشتوانه نظریه‌هایی مثل نظریه سرمایه انسانی برخوردار است مسئله رابطه بین آموزش عالی و فواید بهره‌مندی از تحصیلات دانشگاهی است. بر اساس تحقیقات پیشین، ورود به دانشگاه نوعی سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود که افراد انتظار دارند از طریق آن به فواید مورد نظر، که بیشتر اقتصادی است، دست یابند، مانند شغل مناسب و درآمد بیشتر. چنانچه هزینه‌های مستقیم برای تحصیل زیاد باشد و نتایج مورد انتظار هم تحقق نیابد، مانند شغل مناسب، احتمال سرمایه‌گذاری در آموزش کاهش می‌یابد.

در مقاله حاضر، علاوه بر عوامل اقتصادی مؤثر بر آموزش عالی، مانند احتمال اشتغال به کار در آینده، امید به درآمد بیشتر، پایین بودن میزان شهریه در دانشگاه غیرانتفاعی و غیره، عوامل و انگیزه‌های اجتماعی هم مهم بوده‌اند، مثل نیاز جامعه به رشته، کسب مدرک دانشگاهی، با ارزش بودن تحصیل، ارتقای پایگاه اجتماعی، ترس از سربازی، دلایل عدم دسترسی به دانشگاه‌های دولتی و توجه به نزدیکی به محل سکونت و والدین در انتخاب دانشگاه محل تحصیل و رشته تحصیلی، که مبین توجه هم‌زمان به عوامل اقتصادی و اجتماعی است. حضور ۴۳ درصد دانشجویان در رشته‌های فنی و ۲۱ درصد در رشته‌های هنر هم نشان می‌دهد دانشجویان بیشتر به رشته‌هایی علاقه‌مند هستند که احتمال اشتغال در آن رشته‌ها و کسب درآمد مورد انتظار از آن‌ها در آینده بیشتر است. هم‌چنین حضور دانشجویانی که والدین آنان درآمدهای متوسط دارند و میانگین تحصیلات ایشان حدود فوق دیپلم است، نشان دهنده توجه متقاضیان به تأثیر اقتصادی - اجتماعی تحصیلات دانشگاهی در زندگی روزمره است. حضور ۴۸ درصدی دانشجویان دختر در جامعه آماری تحقیق، نشان دهنده افزایش شانس دختران برای ورود به دانشگاه و بهره‌مندی از فواید آن است.

جمع‌بندی نظری و تجربی مقاله

با توجه به ملاحظات نظری مقاله و یافته‌های تجربی تحقیق، می‌توان گفت شواهد تجربی، مؤید برخی مفروضات نظری زیر هستند.

۱. نظریه تقاضای اضافی

فشار تقاضا برای تحصیل در دانشگاه و پذیرفته‌نشدن کل متقاضیان در دانشگاه‌های موجود، به‌ویژه دانشگاه‌های دولتی، یکی از

واقعیت‌هایی است که هم مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی و هم دانشجویان این دانشگاه‌ها، آن را اعلام کرده‌اند. دانشجویان از میان شش عامل، عدم دسترسی به دانشگاه‌های دولتی را دومین عامل مؤثر بر انتخاب دانشگاه غیرانتفاعی ذکر کرده‌اند. مؤسسان نیز خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشیدن به ساختار آموزش عالی را از دلایل مهم تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی اعلام کرده‌اند. بنابراین، یکی از دلایل حضور دانشجویان در دانشگاه‌های غیردولتی مربوط به ظرفیت پایین دانشگاه‌های دولتی است، که به نوعی تأیید کاربرد نظریه تقاضای اضافی است.

۲. نظریه تقاضای گوناگون

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش، گوناگونی تقاضاها و خواسته‌های متقاضیان تحصیل در دانشگاه است که هم دانشجویان و هم مؤسسان دانشگاه‌های غیرانتفاعی آن را اعلام کرده‌اند. گوناگونی تقاضاها دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی و علمی است. دختران بیش از پسران علاقه‌مند به ادامه تحصیل هستند. فقط ۲۰٪ از دانشجویان با مراتب اجتماعی - اقتصادی پایین سعی دارند تحصیلات عالی خود را ادامه دهند، در حالیکه ۷۱ درصد از دانشجویان با مراتب اجتماعی - اقتصادی و متوسط سعی دارند وارد حوزه آموزش عالی شوند. بسیاری از والدین دوست دارند فرزندان‌شان به منظور کاهش هزینه‌ها و همچنین نظارت بیشتر بر رفتار آنان، در نزدیکی محل سکونت تحصیل کنند. گرایش به رشته‌های کاربردی و اشتغال‌زا و همچنین دوره‌های کوتاه‌مدت مانند کاردانی، یکی دیگر از واقعیت‌های گوناگونی تقاضا است.

۳. نظریه سرمایه انسانی

مؤسسان در تأسیس رشته‌ها و دانشجویان در انتخاب رشته‌ها و دانشگاه محل تحصیل، تا حد زیادی بر اساس تحلیل هزینه - فایده و رویکرد سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند. یکی از عوامل مهم برای مؤسسان و دانشجویان، مسئله حداقل هزینه‌ها و حداکثر فایده به صورت نسبی است. یکی از دلایل انتخاب دانشگاه غیرانتفاعی، عوامل اقتصادی مانند پایین بودن میزان شهریه و امید به درآمد بیشتر در آینده است. در صورت عدم تحقق فواید مورد انتظار و افزایش هزینه، علاقه مؤسسان و دانشجویان به سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. بنابراین مطابق نظریه سرمایه انسانی، افراد به نوعی به موازنه منافع و هزینه‌های آموزشی می‌پردازند و سپس مبادرت به انتخاب نوع آموزش خواهند کرد.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، چند پیشنهاد ارائه می‌شود:

۱. نظر به این که مهم‌ترین انگیزه مؤسسان برای تأسیس دانشگاه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی، انگیزه علمی و همچنین خصوصی‌سازی و تنوع‌بخشی به عرصه آموزش عالی و ایجاد رقابت سالم در این عرصه و ارتقای کمی و کیفی علم در ایران است، پیشنهاد می‌شود این‌گونه دانشگاه‌ها مورد حمایت‌های مادی و غیرمادی مختلف قرار گیرند تا این نوع انگیزه‌ها (انگیزه علمی ...) تقویت شود و انگیزه‌های دیگر مانند انگیزه اقتصادی و مادی نزد مؤسسان، مانع توسعه این نوع دانشگاه‌ها و افزایش سهم این مؤسسات در عرصه علمی ایران نشود.
۲. با توجه به این که برترین انگیزه دانشجویان برای تحصیل در دانشگاه‌های غیردولتی، انگیزه اقتصادی و اجتماعی بوده است، به نظر می‌رسد این نوع دانشگاه‌ها سهم مهمی در پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جوانان دارند و توجیه اقتصادی - اجتماعی توسعه این نوع مؤسسات بالاتر از وجه علمی آن‌ها در حال حاضر است.
۳. با توجه به موارد فوق و نظر به متفاوت بودن جایگاه انگیزه علمی نزد مؤسسان (۴/۲۴ از ۵ - خیلی زیاد) و دانشجویان (۲/۵۹ از ۵ - متوسط)، به نظر می‌رسد از این به بعد توسعه کمی این دانشگاه‌ها قابل توجیه نیست و سیاست وزارت علوم بایستی به دنبال توسعه کیفی و ارتقای سطح علمی این دسته از دانشگاه‌ها باشد تا فاصله انگیزه علمی عرضه‌کنندگان و متقاضیان دانشگاه‌های غیردولتی کاهش یابد و به هم نزدیک شود.

منابع

- بیکر، ترز (۱۳۷۷) *تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- جونز، د. ر (۱۳۷۶) «خصوصی سازی در بخش آموزش عالی»، ترجمه هادی شیرازی بهشتی. مندرج در *گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی*، جلد اول، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی: ۴۸۹-۴۹۸.
- جیمز، ای (۱۳۸۰) «تقسیم مسئولیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی»، ترجمه عبدالحسین نفیسی، *دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش*، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- رضوی، حسین (۱۳۷۵) «بازدهی خصوصی به بازدهی اجتماعی»، نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، جلد دوم. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۳) سند ملی و توسعه بخش آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه، ویراست پنجم، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۳) «دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی»، *دانشور*، سال یازدهم، دوره جدید، شماره ۵: ۶۸-۵۵.
- عبده، حسین (۱۳۸۲) *خصوصی سازی در آموزش عالی ایران*، نشریه بررسی‌های ملی و سرمایه‌گذاری، سال سوم، شماره سوم: ۲۵-۱۵.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲) *اقتصاد آموزش و پرورش*، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- قارون، معصومه (۱۳۸۳) *تحلیل و برآورد تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.
- قارون، معصومه (۱۳۸۵) «تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانوار بر تقاضا برای آموزش عالی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۰: ۱۱۰ - ۹۱.
- وودهال. م (۱۳۷۶) «توسعه اقتصادی و آموزش عالی»، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، مندرج در *گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی*، جلد اول، ناشر مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.
- AGR (2002) *Graduates Salaries and Vacancies Survey 2002*, Warwick: Association of Graduate Recruiters.
- Becker, G. S. (1999) *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis*, Chicago: Chicago University.
- Brown, P. (2003) "The Opportunity Trap Education and Employment in a Global Economy", Keynote address, *European Educational Research Journal*, 2, 1: 142-78.
- Bynner, J. et al. (2002) *Young People's Changing Routes to Independence*, York: Joseph Rowntree Foundation.
- Coates, D. (1998) *Marketing of Further and Higher Education*, vol 22.
- Elias, P. and Purcell, K. (2004) *Is Mass Higher Education Working? Evidence from the Labor Market Experiences of Recent Graduates*. National Institute of Economic Review, No. 190. www.warwick.ac.uk/go/glmf.
- Giannelli, Gianna C. and Chiara Monfardini (2000) "Joint Decisions on Household Membership and Human Capital Accumulation of Youths: The Role of Expected Earnings and Local Markets", *IZA Discussion Paper*, NO.191, Germany.
- Hewitt Randy (2007) "Human Capital as the Summum Bonum of Public Education: Past and Present", *The Educational Forum*, 71: 129-140.
- Masson, G. (2002) "High Skills Utilization under Mass Higher Education Graduate Employment in Service Industries in Britain", *Journal of Education and work*, 15, 4: 427-56.
- Robbins, Lord (1963) *Higher Education: Reporter of the Committee under the Chairmanship of Lord Robbins*, London: HMSO.
- Salehi. E. (2001) *A Study of Expansion of Higher Education in Iran with Particular Reference to Women's Participation*, PhD thesis in the University of Bath.
- Trumbić S. Uvalić (2010) *UNESCO's Role in the Development of Higher Education in a Globalized World*, Paris, France: UNESCO.
- Williams G. and D. Furth (1990) *Financing Higher Education*, Paris: OECD.
- Winkler. D. (1987) *Screening Models and Education*, Oxford: Pergamon.
- Wolf, A. (2002) *Does Education Matter? Myths about Education and Economic Growth*, London: Penguin.